



۲۰۱۹/۰۳/۱۱



بیرنگ کهدامنی

تمنئیس بودا

سروده گران بها از مرحوم مغفور بیرنگ کهدامنی

با تشکر برگرفته از وبسایت وزین کابل ناتھ

ولی احمد نوری



ای سنگ! ای شکوه مقدس، ترا درود
ای سنگ! ای تجسم روح لطیف گل
ای بیشه بهشت خدایی ترا سلام
در آسمان ستاره و در بیکران خدا



ای شاهکار دست بشر در طی قرون
صد پادشاه ز روی ارادت همی نهاد
باران دانه دانه به ناز و نوازشی
آمد گروه جاهل اوباش و بی خبر
زین کار جاهلانه شد اسلام در شگفت
آن سال های سبز خدا یاد شان بخیر
یاد آن زمانه ای که به وصف تو عنصری
یک فوج از کرانه وحشت فرا رسید
عمرت به سر رسید ایا نقش بینظیر
کاری که کرد لشکر جهل و جنون جنگ

هرگز کسی به چشم حقارت ترا ندید
 رفت آنچه رفت بر سرت ای سایه صبور
 در خانه امان خدایی پناه بجو
 غیر از خطا و ظلم شقاوت طمع مدار
 سوزد کسی که سوختت ای معجز بشر
 ای سنگ! در عزای تو من گریه سرکنم
 از سبزه و ستاره و از ساحل کبود
 هر صبحدم نسیم نقاب تو می کشود
 خورشید و کوه دره شکوه تو می ستود
 در پیشگاه شوکت و جاهت سر سجود
 گرد و غبار روز شبان تو می زدود
 تندبسه را شکست و به خاکش فرو نمود
 بودایی و مسیحی و موسایی و هنود
 ترسا و گبر و هر مزی و مومن و یهود
 از جور بی نهایت و از ظلم بی حدود
 از قلب پر شقاوت و از دیده حسود
 از خصم بی فراست و از احمق عنود
 در کوره گاه خشم خدا، دیر یا که زود
 در زیر آسمان خدا مثل تو نبود

ای طالب، ای کتاب جنایت به نام تو
 این کور از کجاست خودش؟ با کدام چشم؟
 آخر خدای بشکندش دست و پا و سر
 ظلمت گران به چاه عقوبت فرو فگن
 آن قامت تناور بالنده سر نگون
 در ماتی تو گریه کند تا به رستخیز
 بودا به نقش سنگ، در آغوش تو غنود
 آوای چنگ و بربط و نای تو می شنود
 آن روزها که قدرت و قدر تو می فزود
 شعر و ترانه و غزل ناب می سرود
 با توپ و با طیاره و با گرز و با عمود
 در انفجار آتش و در بارگاه دود
 چنگیز خود نکرد و سکندر نکرده بود
 بودا چه گفته بود؟ خود آیا چه کرده بود؟
 ویران کند نگاره و آثار و یاد بود
 او را که زد به سینه تو تیرش آزمود
 ای مالک سپیده دم، ای خالق ودود
 این بختک حقیر و فرومایه سر فرود
 آمویه و فرات و هریوا و زنده رود



<http://www.kabulnath.de/Schankar>

بمناسبت ۱۹مین سال ویرانی بوداهای بامیان
 Berang_kohdamani_۱۹min_saal_wairani_booda.pdf